

کسی به کارم علاقه مند نیست

او تنها فردی است که می تواند رادیوهای قدیمی و عتیقه از هر نوع و مدلش را تعمیر کند اما متأسفانه هیچ ارکان یا سازمانی برای انتقال این تجربه او پیش قدم نشده است. «به خیلی از سازمان ها و ارکان های فنی مراجعه کردم اما هیچ کدامشان روی خوشی نشان ندادند. خیلی دلم می خواهد فرد مشتاقی پیدا شود و این کار را به او یاد بدهم اما حتی بین فرزندان و نوه هایم هم کسی به این کار علاقه مند نیست.»

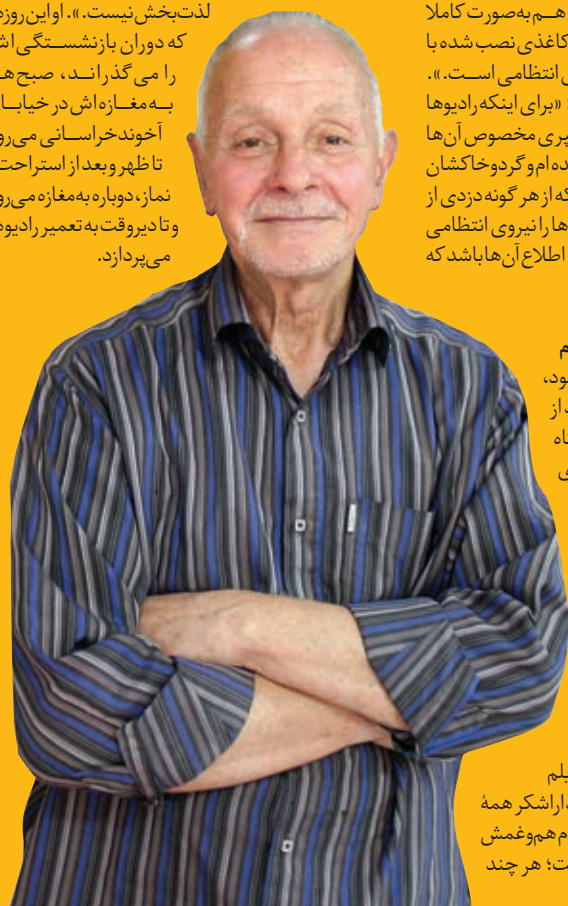
فکری برای آینده اش نکردم

سوالی که برای ما و شما پدیدشمارد در حین خواندن این گفتگو پیش می آید این است که بعد از رضوانی چه کسی وارث این مجموعه بی قیمت خواهد شد؟ «به این موضوع زیاد فکر کرده ام. فرزندانم هیچ کدام علاقه ای به نگهداری این مجموعه ندارند. وصیت کردم هر کدام یک رادیو بعد از مرگم بردارند اما کسی متولی نگهداری آن نشده است. با جستجویی که کردم، متوجه شدم اگر این مجموعه را به جایی با فردی بدهم، احتمال فروشش وجود دارد. به واقع نمی دانم باید آن را چه کار کنم. خیلی تمایل دارم فردی از نسل جدید که مثل خودم عاشق این کار است، برای نگهداری آن پیش قدم شود. زیرا این کار تا چند سال آینده به نسل جدید منتقل می شود.»

بازدید برای عموم رایگان است

رضوانی در خانه اش را به روی تمام بازدیدکنندگان باز گذاشته است. او می گوید: «علاقه مندان برای بازدید می توانند به منظور هماهنگی با شماره ۳۸۵۴۶۸۸۱ تماس بگیرند تا زمانی را برای بازدید هماهنگ کنیم.»

که این کارش سبب اعتراض اهالی خانه و به خصوص همسرش شده است: «از سر کار که می آمدم، استراحت کوتاهی می کردم و به مغازه ام که پایین خانه ام بود، می رفتم. گاهی تا دو یا سه نصف شب بیدار بودم تا رادیوینی را جمع کنم. اصلاً گذر زمان را احساس نمی کردم. هیچ چیز به اندازه زمانی که صدای رادیویی را بعد تعمیر می شنوم، برایم لذت بخش نیست.» او این روزها که دوران بازنشستگی اش را می گذراند، صبح ها به مغازه اش در خیابان آخوند خراسانی می رود تا ظهر و بعد از استراحت و نماز، دوباره به مغازه می رود و تا دیروقت به تعمیر رادیوها می پردازد.



دارم و اگر شبی بین آن ها راه نروم، دلم آرام نمی گیرد. آن ها با من صحبت می کنند. یاد خاطراتم می افتم. دوران نوجوانی و جوانی ام، چه اخباری را که با این رادیوها گوش نکردم و چه روزهایی را با آن ها شب نکردم!»

نگهداری این مجموعه کار آسانی نیست

نگهداری بیش از ۳۰۰ رادیو و گرام آن هم به صورت کاملاً سالم، کار آسانی نیست. روی دیوار، کاغذی نصب شده با این عنوان: «این منزل تحت نظر نیروی انتظامی است.» رضوانی درباره این موضوع می گوید: «برای اینکه رادیوها دکمه ها و اتصالات فلزی شان را با اسپری مخصوص آن ها تمیز کنم، روی تمام آن ها سلفون کشیده ام و گرد و خاکشان را با پمپ مخصوص می گیرم. برای اینکه از هر گونه دزدی از منزل هم پیشگیری شود، تمام رادیوها را نیروی انتظامی ثبت کرده و اگر بخواهم بفروشم، باید با اطلاع آن ها باشد که از لیستشان خارج کنند.»

۵۵ کامیون رادیو از تهران به مشهد آوردم

رضوانی از ابتدا که وارد ارتش می شود، از مشهد به تهران کوچ می کند و بعد از بازنشستگی با سمت سرپرست تعمیرگاه مخابرات نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دوباره به زادگاهش برمی گردد؛ یعنی چیزی حدود ۵۰ سال دوری از شهرش که بالاخره برای گذراندن روزهای بازنشستگی، مشهد را به تهران ماندن ترجیح می دهد: «هنگامی که می خواستم از تهران به مشهد بیایم، فقط ۵ کامیون رادیو و وسایل یدکی شان را داشتم. به راننده گفتم دو برابر پول می دهم که آن ها را سالم در مقصد تحویل بدهی. کلی استرس داشتم که خدا را شکر همه رادیوها سالم رسیدند مشهد.» او تمام هم و غمش تعمیر و نگهداری از مجموعه اش است؛ هر چند

خاص ترین رادیو

او در مجموعه اش رادیوهایی دارد که با برق، باتری یا برق و باتری باهم و مثل ساعت کار می کنند. هنگامی که صحبت از خاص بودن رادیوهایش می شود، از پشت میز کارش بلند می شود و محافظ پلاستیکی روی گرام را برمی دارد و صفحه ای قدیمی می گذارد. گرام با صدای خش خش خش شروع به خواندن می کند. یکی از خوانندگان قدیمی است. او بالذت به صدای گرام گوش می دهد و می گوید: «این یکی از گرام های خاصی است که دارم و آن را از تهران خریده ام. سه سال قبل بابتش ۶ میلیون دادم تا به دستم رسید. این خاص بودن به دلیل سفارشی بودنش است، زیرا کارخانه تنها یک مدل از این گرام را تولید کرده که به احتمال زیاد فرد سفارش دهنده باید مقام بالایی مانند وزیر و کنسول یا سفیر یک کشور بوده باشد.»

مجموعه امراثبت گینس نکردم

دو سال پیش از طرف گینس برای ثبت مجموعه اش می آیند اما رضوانی روی خوشی برای ثبت مجموعه اش در گینس نشان نمی دهد: «از تمام مجموعه دارانی که به آن ها معرفی شده بودند، تنها مجموعه من را تأیید کردند. آن ها با دیدن برخی رادیوها و گرام ها شوکه شده و تعجب کرده بودند که چطور آن ها را سالم و آکبند دارم. فرمی دادند و گفتند ۲ میلیون باید پرداخت کنی برای ثبت در گینس اما من این کار را انجام ندادم.» مجموعه ای که او از گرام، رادیو، رادیو گرام، رادیوهای صحرایی، نوار کارت ریج و... صفحه های قدیمی دارد، در نوع خود بی نظیر و کم نظیر است. او انواع نوارهای کاست قدیمی را دارد که تمامشان اورجینال است.

مجموعه ام قیمت ندارد

قیمت رادیوها، گرام ها و... رضوانی از ۲ میلیون تا ۱۰ میلیون متغیر است اما خودش می گوید: «این مجموعه که بیش از ۲۰۰ رادیو و ۱۰۰ مدل گرام را شامل می شود، قیمت ندارد و حرف دل است و کار عشق. به عبارتی نمی توان روی آن قیمت گذاشت. کسی که عاشق این کار باشد، می فهمد که چه می گویم. تک تک آنچه در اینجا جمع کرده ام، دوست

